

واقع گرایی انتقادی؛

رهیافت نوین در جامعه‌شناسی سیاسی و
روابط بین‌الملل: مطالعه موردی انقلاب اسلامی
و مسئله هسته‌ای ایران

مؤلفان:

دکتر علی فلاحي سيف الدين، دکتر محمود شهيدی

ویراست نخست، چاپ نخست

تابستان ۱۳۹۵

سرشناسه	:	فلاحی سیف‌الدین، علی، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	:	واقع‌گرایی انتقادی؛ رهیافتی نوین در جامعه‌شناسی سیاسی و روابط بین‌الملل؛ مطالعه موردی انقلاب اسلامی و مسئله هسته‌ای ایران/مؤلفان علی فلاحی سیف‌الدین، محمود شهیدی.
مشخصات نشر	:	تهران: افق آینده، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	:	۱۹۲ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۹۴۱۰۳-۸-۵
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	واقع‌گرایی انتقادی
موضوع	:	Critical realism
موضوع	:	جامعه‌شناسی سیاسی
موضوع	:	Political sociology
سنانسه افزوده	:	شهیدی، محمود، ۱۳۴۷ -
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۵ ۲ ۸۳۵/ف
رده بندی دی‌سی	:	۱۴۹/۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۳۹۱۳۶۲

واقع‌گرایی انتقادی؛

رهیافتی نوین در جامعه‌شناسی سیاسی و روابط بین‌الملل؛

مطالعه موردی انقلاب اسلامی و مسئله هسته‌ای ایران

مؤلفان: دکتر علی فلاحی سیف‌الدین، دکتر محمود شهیدی

ناشر: انتشارات افق آینده

طراحی جلد و صفحه‌آرایی: یوسف بهر

نوبت و تاریخ چاپ: نخست - تابستان ۱۳۹۵

ویراست نخست

شمارگان: ۷۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۱۰۳-۸-۵

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

.....	سرآغاز	۹
فصل اول		
الگو دازن جامعه‌شناسی سیاسی		
رئاساس واقع‌گرایی انتقادی		
.....	مقدمه	۱۷
.....	واقع‌گرایی انتقادی	۱۹
.....	۱. واقع‌گرایی فراتجربی؛ واقع‌گرایی انتقادی و علوم طبیعی	۲۱
.....	۲. طبیعت‌گرایی انتقادی؛ واقع‌گرایی انتقادی و علوم انسانی	۲۷
.....	۳. جامعه‌شناسی تعامل‌گرا؛ برون‌رفت از دوگانه ساختار و کارکرد	۳۱
.....	فردگرایی	۳۲
.....	کل‌گرایی	۳۳
.....	رهیافت‌های تلفیقی	۳۳
.....	گیدنز؛ ساختاریابی	۳۴
.....	بورديو؛ ساختارگرایی ساخت‌گرایانه	۳۶
.....	فی؛ تخصیص و تصرف	۳۹
.....	بسکار؛ مدل گشتاری کردار اجتماعی	۳۹

- ۴۳..... آرچر؛ ریخت‌یابی
- ۴۵..... ۴. واقع‌گرایی انتقادی و سیاست‌رهای بخش

فصل دوم

الگوپردازی روابط بین‌الملل بر اساس واقع‌گرایی انتقادی

- ۵۱..... مقدمه
- ۵۶..... ۱. بسکار اسم؛ انمارکسیسم تا پسامارکسیسم
- ۵۹..... بازتعریف «بازار» جهانی شده در قالب تئوری تنظیم
- ۶۴..... ماهیت بازاجتماعی و بازتعریف رابطه ساختار و کارگزار
- ۶۸..... ۲. ساخت یک تئوری دولتی در قالب مدل تحولی کنش اجتماعی
- ۷۳..... ۳. معضله گفتمان و راهی برای تعارض
- ۷۵..... ۴. خُرده مدل «تعامل افقانی» در فضایی پیرسلسله مراتبی
- ۷۸..... ۵. شیوه تولید سرمایه‌داری جهانی شده

فصل سوم

تحلیل واقع‌گرایی انتقادی از تحولات هسته‌ای ایران

- ۸۵..... مقدمه
- ۸۶..... ۱. تحولات ساختار سرمایه‌داری
- ۸۶..... تعیین کنندگی تصادفی
- ۸۹..... صحنه استراتژیک نو
- ۹۲..... ۲- کارگزاران دولتی (گروه ۱+۵) و قرابت‌های نظام‌های سرمایه‌داری
- ۹۵..... تعادل‌های جدید فرآتلانتیک و تبیین‌های نظری
- ۹۸..... ریشه‌های سرمایه‌داری در کشورهای ۱+۵
- ۱۰۱..... ۳. مقاصد و نیات کارگزاران دولتی ۱+۵

تحول در نیات آمریکا.....	۱۰۱
گردش به راست اروپا و خروج از بلاتکلیفی.....	۱۰۶
مقاصد راهبردی روسیه.....	۱۰۸
مقاصد و نیات جهانی شده چین.....	۱۱۱
نتیجه.....	۱۱۲

فصل چهارم

تحال واقع‌گرایی انتقادی از ریشه‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی

مقدمه.....	۱۲۱
۱. ساختار سببی؛ ساختار نسیم شبه‌مطلقه و فرصت‌سازی برای کنش انقلابی.....	۱۲۵
شبه مدرنیسم و فشارهای نیروهای اجتماعی.....	۱۳۲
سلطانیسم و ناتوانی در برابر انقلاب.....	۱۴۷
۲. ساختار نظام بین‌الملل؛ فرصت‌سازی برای انقلاب.....	۱۵۰
۳. ساختار فرهنگی-معنایی ایران؛ فرصت‌سازی برای انقلاب.....	۱۵۲
کارگزاران انقلاب اسلامی و کنش براندانه.....	۱۵۵
نتیجه‌گیری: گذشته، حال و آینده.....	۱۶۹
کتابنامه.....	۱۷۹

سرا‌از

«واقعیت» است که یخ است؛ بخش عمده آن دیده نمی شود. «پرداختن به دغدغه‌های نویسنده ناآشنا در حوزه علوم سیاسی جسارت خاصی می طلبد؛ چه ورود به این عرصه‌ها، فراس از گفته‌ها و محاورات و حتی گاه تحلیل‌های رایج دانشگاهی می رود. یکی از این دغدغه‌ها نظریه‌پردازی در حوزه علوم اجتماعی است. «واقع گرایی انتقادی» به عنوان یک فرانظریه، موضوع محوری کار پیش رو را به خود اختصاص داده است. واقع گرایی انتقادی، یک از نظریه‌های قابل کاربرد و تاحدی مغفول در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی به معنای موسع آن و حتی برخی حوزه‌های علوم طبیعی است.

از دیگر سوی، تلاش برای بهره‌گیری از نظریات در عرصه‌های مختلف علوم انسانی از دستاوردهای نسبتاً جدید در کشور ما ایران است و نوپاتر از آن، ل سازی برای تبیین تحولات جامعه‌شناسانه و بین‌المللی با استفاده از نظریات فراست مدرنی مانند واقع گرایی انتقادی است. مزیت این نظریات در مقایسه با دیدگاه‌های کلاسیک و پست مدرن در جامعه‌شناسی سیاسی و روابط بین‌الملل، قابلیت تطبیق بیشتر آنان با تحولات و تلاش برای ارائه برداشت «واقعی» از تعاملات ساختار/کارگزار (کنشگر) است؛ این چیزی است که نویسندگان این نوشتار را به تألیف کتابی واحد فراخوانده و دغدغه مشترک آنها در دو حوزه مجزای جامعه‌شناسی سیاسی و روابط بین‌المللی

بوده است.

استاد به دیدگاه سی‌رایت میلز، از منتقدان معروف جامعه‌شناسی سیاسی کلاسیک، توجیه خوبی برای قرین ساختن این دورشته دانشگاهی در نوشتار حاضر به دست می‌دهد؛ جایی که میلز معتقد است در روابط بین‌الملل هم همانند جامعه‌شناسی سیاسی وبر، مارکس و دورکیم در صدر هستند؛ به عبارت دیگر در روابط بین‌الملل هم می‌توان همین اندیشمندان را به عنوان پایه‌گذاران واقعی در نظر گرفت و از ایده‌های آنها بهره گرفت.

هرچند بحث بین‌و به خصوص پیش‌بینی تحولات در علوم سیاسی امروزه با پیچیدگی‌ها، زیادتر و روبرو است اما در عین حال، یک تبیین درست از وقایع می‌تواند از بسیاری کم‌تأثیرها در عرصه افکار عمومی و سطوح سیاسی جلوگیری کند. این درحالی است که نتوانیم منجز محصول تطورات تاریخی بوده و براساس آن دچار تغییر و تحول شد. بنابراین، این گونه تداعی گردد که نظریات تافته جدا بافته‌ای از عرصه عملی هستند؛ پس، آنچه واقع‌گرایی انتقادی را از سایر تئوری‌ها جدا می‌کند نگاه هستی‌شناسی و معرفت‌شناختی متفاوت به پدیده‌ها بر مبنای روش‌شناسی منحصر به فردی است که در بدنه معنیت‌یابی اثبات‌گرایی و پس‌اثبات‌گرایی را دارد. این درحالی است که دعاوی بر مبنای تفاوت و ظاهراً متعارض این دو مکتب سرتاسر عرصه تبیین را متأثر نمود. به عنوان مانعی فرا روی تبیین پدیده‌های اجتماعی ظاهر شده است. این موضوع را در فصل اول بحث عنوان کلیات و مقدمه برتابیده ایم.

واقع‌گرایی به عنوان جریان اصلی علوم سیاسی نقایص جدی خود را در عرصه‌های تبیین به ویژه در فضای جهانی شدن و تغییر ماهیت قدرت نشان داد و ملحقات آن مانند مدل تصمیم‌گیری عقلانی و نظریه بازی‌ها به رغم برخی تطورات نتوانستند ظرفیت تبیین لازم را در زمینه پویای اجتماعی و تاریخی به منصه ظهور برسانند. نظریات کارکردگرایانه و نوکارکردگرایانه و سیستمی نیز با وجود برخی نوآوری‌ها و

متداول بودن در بلاد غرب به ویژه آمریکا، بازهم نقش کارگزار یا کنشگر را به عنوان موجودی نیتمند (صاحب اراده) کم و بیش در تحولات نادیده می‌گیرد. دیدگاه‌های لیبرالیستی و پلورالیستی به ترتیب در روابط بین‌المللی و جامعه‌شناسی سیاسی نیز با تحولات جهانی شدن و بهم خورد عنصر قدرت و تحول مفهوم دولت دچار لرزه‌های اساسی شدند. به طور خاص در روابط بین‌المللی، نظریات نو واقع‌گرایی و نظام جهانی، از کاستی‌های مشابهی رنج می‌برند؛ اولی نقش ساختار را - به عنوان محصور - امل کارگزاران مقدم - نادیده می‌گیرد و دیگری نقش کنشگر یا کارگزار را دچار غلیل‌نمایی و ساختار را به شی‌ش‌شدگی مبتلا می‌کند. در مقابل شاهد نوعی بازگشت به نظریات مارکسیستی در متن تحولات جامعه‌شناسی سیاسی و روابط بین‌المللی و در قالب دیدگاه‌های انتقادی بوده‌ایم. واقع‌گرایی انتقادی در این میان، نحله‌ای است که هم با مارکسیسم و هم با پسا مارکسیسم پیوند دارد و ایده بنیادین ماتریالیسم تاریخی را، صرفاً از انواع مختلف داشت‌ها از این مفهوم، در بطن خود دارد؛ ایده‌ای که می‌تواند ساز و بارها، ملی و اجتماعی مورد نظر واقع‌گرایی انتقادی را به نحو مناسبی تبیین کند. به تعبیر واضعان واقع‌گرایی انتقادی، واقع‌گرایی درواقع توانسته «واقعیت» را به طور کامل بنمایاند.

درباره فصول سوم و چهارم تاجایی که به عرصه جامعه‌شناسی سیاسی مربوط می‌شود ظرفیت سازی ساختارهای مستقر در دوره پهلوی - دوم، کنش انقلابی کارگزاران مورد بررسی قرار گرفته است. تعبیر «سلطانیسم شبه مطلق» نشانگر آن است که چگونه ساختار سیاسی این دوره، برای کارگزاران انقلابی فرصت‌زایی می‌کند، همانگونه که در عرصه روابط بین‌المللی، «انعطاف‌پذیری» نظام سرمایه‌داری نشانگر آن است که چگونه ساختار نظام بین‌المللی فرصت‌هایی برای جلب همکاری کارگزاران دولتی و نیل آنها به توافق رقم می‌زند. نکته بدیع استفاده از دیدگاه‌های گفتمانی بر مبنای پسا مارکسیسم به عنوان اشتراک در هر دو عرصه یاد شده است.

همانگونه که دیدگاه امثال "اربار" (Ehrbar) برمی‌آید می‌توان واقع‌گرایی انتقادی بسکار را پلی میان مارکسیسم و پسا مارکسیسم دانست. لذا نقش عوامل فرهنگی و هویتی در زمینه جامعه‌شناسی سیاسی در قالبی فرصت‌سازانه برای کارگزاران انقلابی در مقابل پهلوی دوم از منظری معناشناسانه مهم تلقی شده است. همین عوامل در زمینه روابط بین‌المللی نیز از منظری گفتمانی و تکمیل‌کننده واقع‌گرایی انتقادی، مهم تلقی شده است. هرچند در هر دو اثر فرهنگ و هویت با دیدگاهی فراخ و دل‌انگیز به تصویر کشیده می‌شود اما در واقع وجه تمایز این است که در برداشت جامعه‌شناسانه از انقلاب بین دیدگاه به مدد نیروی علی‌گروه‌های اسلام‌گرای تحت رهبری روحانیون به فروپاشی و تحت‌السلط می‌انجامد اما در برداشت روابط بین‌المللی به مدد نیروی علی‌سرمایه‌دار؛ چهارچوبی شده به همسازی و سازگاری گرایش می‌یابد. بنابراین در اولی پدیده انقلاب به عنوان ظهور در سطح تجربی، و در دومی توافقات به عنوان ظهور و بروز تجربی مطرح می‌شود. در بخش دوم، جامعه‌شناسی سیاسی با تأکید بر هستی‌شناسی اجتماعی دوگانه نگری بین‌الملل با تأکید بر اقتصاد سیاسی بین‌المللی مارکسیستی بکار رفته است.

می‌توان گفت در عرصه اول، مدل گشتاری کلاسیک جامعه‌شناسی «روی بسکار» مبنایی برای گمانه‌زنی درباره شقوق مختلف تعامل میان ساختار و کارگزار در قبال رژیم‌های سیاسی ایران و به طور خاص پهلوی دوم قرار گرفته است. در موردی مشابه خرده مدل «تعامل اقتاعی» برگرفته از همان مدل کلان، مبنای تبیین قدرت ساختار نظام بین‌الملل - کارگزار دولتی در قبال برنامه هسته‌ای ایران قرار می‌گیرد. لذا در واقع، واقع‌گرایی انتقادی قابلیت تبیینی و تاحدی پیش‌بینی خود را در دو سطح تعدیل به کار می‌گیرد؛ سطح تحلیل خرد که کارگزار را معادل افراد و جریان‌ها می‌گیرد و ساختار را معادل دولت حاکم، ساختار بین‌الملل و نظام فرهنگی - معنایی؛ و در سطح کلان که کارگزار را معادل دولت‌ها می‌داند و ساختار را همان نظام سرمایه‌داری جهانی شده. از آنجایی که ارائه کار مشترک در ایران همانند منابع قدرت در علوم سیاسی

«کمیاب» است، رسیدن به یک الگوی واحد در زمینه نحوه ارائه واقع‌گرایی انتقادی در دو بستر جامعه‌شناسی سیاسی و روابط بین‌الملل زمانبر بود. جرقه اصلی این کار ترکیبی درواقع به همین کاربردی کردن نظریات و به دست دادن تجربیاتی برای آیندگان پیرامون یافتن زمینه‌های مشترک بوده است. این درحالی است که منابع بکار گرفته شده در این اثر نسبتاً زیاد و بسیاری از آنها اصل یا ترجمه انگلیسی بوده است. درواقع این است که منابع فارسی در این زمینه بسیار محدود بوده نیز دلیل دیگری برای تالیف این اثر مشترک بوده است. کتاب حاضر برگرفته از پایان‌نامه‌های دکتری نویسندگان بوده است که فارغ‌الدشواری‌های جلب نظر علمی اساتید مطرح علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی به عنوان اساتید راهنما و هیأت داوران، نبوده است.

دکتر علی فلاحتی‌سیف، بدین نویسنده فصول اول و چهارم استادیار دانشگاه آزاد واحد خرم‌آباد، دکتری علوم سیاسی با گرایش جامعه‌شناسی سیاسی بوده که در مقاطع ارشد تدریس می‌کند و استاد راهنما و مشاوره و داوری پایان‌نامه‌های متعددی را در این زمینه عهده دار بوده و هست. دکتر محمود شهیدی نویسنده فصول دوم و سوم استادیار دانشگاه آزاد نراق، دکتری روابط بین‌الملل بوده که در مقاطع ارشد و دکتری تدریس می‌کند و مقالاتی در زمینه سیاسی، حقوقی و نظریات جدید در نشریاتی مانند فصلنامه رهیافت‌های سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، علوم سیاسی، راهبرد و اقتصاد سیاسی دارد.

هرچند کتاب پیش‌رو دستاورد تلاش چندین ساله نویسندگان در عرصه نظریه پردازی است، با این حال این تلاش هرگز به منزله تحمیل نظریه به عالم واقع نبوده است و نویسندگان، خود، از محدودرات و کمبودهای احتمالی جنبه‌های نظری چنین پژوهش‌هایی آگاه بوده‌اند. در بخش آخر پیرامون این قبیل موضوعات بحث شده است.

تهران، تابستان ۱۳۹۵